



کیومرث اشترینان

در غیاب اطلاعات نظامی دقیق، مدل‌سازی نظریه بازی‌ها می‌تواند چشم‌اندازی از سناریوهای تنش میان اسرائیل-آمریکا و ایران فراهم کند. در تصویرسازی نظریه بازی‌ها، پاسخ به پرسش‌های گوناگونی از جنس «اگر-آن‌گاه» تصمیم‌گیری‌ها را به صورت فنی (و نه ضرورتاً آرمانی و عقیدتی) غنسی خواهد کرد. تخمین موازنه قدرت-ضعف در این بحران عامل تعیین‌کننده‌ای برای اتخاذ تصمیم در تصاعد یا حفظ تنش در هر مرحله است. تصاعد تنش (tension escalation) در منازعه کنونی ایران-اسرائیل سه سطح دارد: سطح یکم، همین وضع فعلی است؛ یعنی درگیری بین‌پکنگی. در این مرحله دو طرف به تناوبی تدریجی ضرباتی را به یکدیگر وارد می‌کنند. در این میان آن که بتواند برتری نسبی و فضای رسانه‌ای بیشتری برای خود پدید آورد، اعتبار نظامی بیشتری کسب می‌کند. اینکه این اعتبار نظامی بتواند به آتش‌بس و توقف عملیات نظامی اسرائیل بینجامد، هدف مطلوب ایران است. پذیرش قطع‌نامه ۱۷۰۱ در صورتی‌که به خلع سلاح حزب‌الله بینجامد، یا سیاست‌های چند دهه‌ای ایران سازگار نیست. به‌ویژه آنکه ارتش لبنان از ظرفیت کافی برای جایگزینی به نفع «محور مقاومت» برخوردار نیست. در هر صورت رضایت نسبی ایران نیز، با توجه به برآورد خسارات ناشی از تصاعد تنش در مرحله دوم، پیش‌بینی‌پذیر است. یک فرض مهم این است که محدودشدن تنش در سطح نخست به نفع ایران است.

سطح دوم، ضربه محدود به زیرساخت‌هاست. در این سطح طرفین به شماری از زیرساخت‌های اقتصادی یکدیگر ضربه می‌زنند. ناگفته پیداست که در این حالت حداقل چند شهر از طرفین از خدمات مدنی محروم می‌شوند. دامنه خرابی‌ها و محرومیت‌ها از خدمات مدنی و امکان گسترش ناآرامی‌های ناشی از آن برای هریک از طرفین باید برآورد شود. در پیامد، عامل «سرعت بازسازی زیرساخت‌ها» در این مرحله اهمیت می‌یابد. اینکه کدام‌یک از طرفین توان بسیج فنی و بین‌المللی برای سرعت عمل در بازسازی‌ها را دارند، پرسش مهمی در این سناریو است. در این حالت، تاب‌آوری کدام‌یک بیشتر و کدام‌یک کمتر است؟ کوچک‌بودن اسرائیل از نظر جغرافیایی یک نقطه ضعف است و برای ایران نقطه قوت. درعین حال شمار جمعیتی که در ایران در معرض محرومیت از خدمات مدنی قرار می‌گیرند، در مقایسه با اسرائیل، می‌تواند یک نقطه ضعف باشد. پیروزی ترامپ و «یک سفید» برای تائیان‌ها وزن گزینه ورود به سطح دوم تنش برای اسرائیل را سنگین‌تر کرده است. مرحله سوم، درگیری تمام‌عیار است. همان منطق مرحله دوم، با دامنه بیشتری در این مرحله صدق می‌کند. تخریب سریع و همه‌جانبه در دستور کار ائتلاف بین‌المللی قرار خواهد گرفت. زمان و تاب‌آوری در دامنه زمانی وسیع‌تر برای هریک از طرفین حیاتی است. ائتلاف بین‌المللی امتیازی برای اسرائیل خواهد بود.

نتیجه اینکه باید پرسید: اولاً آیا به نفع ایران است که تنش در مرحله اول، یعنی درگیری محدود و بین‌پکنگی باقی بماند؟ آیا اگر در این مرحله دو توان به آتش‌بس در غزه و لبنان دست یافت، یک موفقیت برای ایران است؟ آیا رضایت نسبی در پذیرش قطع‌نامه ۱۷۰۱ برای ایران حاصل می‌شود؟

ثانیاً، اگر ایران قدرت تخریب بیشتری در مرحله دوم داشته باشد، آیا به صلاح است که از آن استفاده کند؟ به‌ویژه اگر ریسک تخریب‌ها بیشتر، سرعت بازسازی کمتر و دامنه مدنی بحران بیشتر باشد؟ اگر پاسخ این پرسش‌ها برای ایران مبهم باشند، آن‌گاه آیا بهتر است که در همان مرحله اول و دامنه زمانی کُشد‌آزتری بازی را ادامه دهد و آن را به مرحله دوم تبدیل کند؟ یا اینکه باید سطح تنش را ارتقا دهد؟ (escalation game) آیا ورود به مرحله دوم قهراً ورود به مرحله سوم را تسهیل می‌کند؟

ثالثاً، اگر وارد مرحله سوم بشویم، بازی «پایان استراتژیک» (strategic termination) شکل می‌گیرد. بازی «پایان استراتژیک» حداقل سه چشم‌انداز احتمالی دارد. چشم‌انداز اول، پیروزی نظامی ایران در برابر ائتلاف جهانی آمریکا، اروپا و اعراب منطقه. احتمال دوم، شکست ایران در نبرد در یک دوره زمانی میان‌مدت. سوم، مقاومت طولانی‌مدت ایران و افزایش ریسک و احتمال به‌کارگیری سلاح اتمی از سوی اسرائیل و آمریکا. در صورت

به‌کارگیری چنین سلاحی آیا افکار عمومی جهانیان برای نیروهای ائتلاف اهمیتی خواهد داشت؟

یکشنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۳
۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۶
۱۰ نوامبر ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۹۷۱
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



عارف در دیدار با سفیر جدید قطر در تهران: سطح روابط اقتصادی را به سطح روابط بالای سیاسی برسانیم



گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که تراکم جمعیت در شهرهای اقماری بیش از شهرهای اصلی و مادر شده است

# رانده شدگان از شهر

گزارش تینتریک را در صفحه ۴ بخوانید



همنشینی سردار قآنی با ظریف، قالیباف و عراقچی در همایش «مکتب نصرالله» با استقبال رسانه‌ها و کاربران فضای مجازی همراه شد

## وفاق میدان و دیپلماسی

### یادداشت

## دیپلماسی ژاپن؛ پلی به سوی تعامل ایران و آمریکا



حسین سلاح‌ورزی

رئیس اتاق مشترک ایران و ژاپن

در مقابل، سیاست خارجی ترامپ بیشتر به منافع اقتصادی و فشارهای مستقیم برای دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت تمرکز داشت و این باعث شد که فضای کمتری برای گفت‌وگو باقی بماند. ترامپ که با روحیه‌ای تهاجمی و توجه به منافع اقتصادی مشخصی وارد میدان دیپلماسی شد، به دنبال محدودکردن برنامه هسته‌ای و نفوذ منطقه‌ای ایران بود، بنابراین درگیر جنگ تجاری و تحریم‌های شدید علیه ایران شد. از سوی دیگر، ایران نیز با وجود مقاومت، به دنبال راه‌هایی برای کاهش تنش‌ها بود تا بتواند از تأثیرات مخرب تحریم‌ها بر اقتصاد خود بکاهد. این نگاه‌های متضاد، زمینه‌ساز یک چالش دیپلماتیک پیچیده بود و فضای اعتمادسازی کمی برای ماینجیگری باقی گذاشت. ژاپن در چنین فضایی با سابقه تاریخی مثبت و حسن نیت دیپلماتیک در روابط با ایران و همچنین پیوندی استراتژیک با آمریکا، می‌تواند فرصتی

### یادداشت

## ضرورت رانت‌زدایی از بودجه عمومی دولت



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

به اهمیت مقوله رانت‌زدایی بودجه سالانه پی نبرده و به تذکرات کارشناسان و ناظران دلسوز اعتنایی نمی‌کنند. حتی ممکن است آنان بر ضرورت مبارزه با رانت‌های بودجه‌ای باور داشته باشند، اما با این تصور که همان اقدامات اصلاحی معمول می‌تواند بخشی از رانت‌ها را از بین ببرد، خود را سرگرم کنند. البته باید پذیرفت که اقدامات اصلاحی برشمرده در بالا می‌تواند برخی سرچشمه‌های رانت را کور کند، اما هم‌زمان می‌تواند موقعیت‌های جایگزینی را ایجاد کند که به نوبه خود رانت‌های جدیدی خلق خواهند کرد. به‌عنوان نمونه دولت تصمیم می‌گیرد با آزادکردن واردات خودرو با رانتی که به صورت برخورداری از بازاری بزرگ و بدون رقابت نصیب خودروسازان داخلی می‌شود، مقابله کند، اما همین تصمیم درست ممکن است با برنامه اجرائی نادرستی رانتی جدید برای واردکنندگان خاص ایجاد کند. دقیقاً به‌همین دلیل دولت‌مردان باید سرفصل مقابله با رانت‌های بودجه‌ای را در صدر فهرست اقدامات اصلاحی خود قرار دهند. رئیس دولت چهاردهم با تأکید بر آموزه‌های نهج‌البلاغه این وعده را به مردم داده است که هدف تأمین عدالت و ملزومات آن را با جدیت دنبال خواهد کرد. بی‌تردید رانت‌های بودجه‌ای یکی از بارزترین مصادیق بی‌عدالتی در جامعه امروز ایران هستند و انتظار می‌رود دولت با هوشیاری و بدون مسامحه، مقابله با این موتور رانت‌زایی را آغاز کند. از این رو پیشنهاد می‌شود که رئیس محترم دولت از دست‌اندرکاران حوزه بودجه بخواهند که در قالب گزارش مستند و مستدل اقداماتی را که در طول چند سال گذشته درباره کاهش قدرت رانت‌زایی بودجه سالانه انجام گرفته است، با تأکید بر لایحه بودجه ۱۴۰۳ اعلام کنند.

همچنین پیشنهاد می‌شود ایشان در قالب یک فراخوان از کارشناسان و ناظران مستقل بخواهند که با بررسی لایحه بودجه، سرچشمه‌های رانت‌زا را شناسایی کرده و با بیان دقیق مصداق معرفی کنند. اهمیت این فراخوان در حدی است که طراحی نظام پرداخت حق‌الکشف برای کسانی که فرصت‌های رانت‌زایی در لایحه بودجه را شناسایی و به دولت معرفی می‌کنند، نیز از توجه اقتصادی بسیار بالایی برخوردار است.

رانت بودجه‌ای موربان‌های است که ستون‌های چوبی برنامه توسعه کشور را متلاشی کرده و ضمن تشدید نابرابری در سطح جامعه و حیف‌ومیل منابع عمومی، بدبینی مردم به دولت و نهاد‌های حاکمیتی را تشدید می‌کند. از این رو انتظار می‌رود جریان رانت‌زدایی از بودجه سالانه کشور هرچه زودتر و با روشی اصولی و خردمندانه آغاز شود.

### برگزیده‌ها

«شرق» از تداوم اختلافات تهران و اروپا درباره جنگ اوکراین گزارش می‌دهد

## پایان تنش تهران و قاره سبز نزدیک است؟

گزارش «شرق» از آسیب‌شناسی مدارس که سواد مواجهه با کودکان آسیب‌دیده و کودکان مراکز شبه‌خانواده را ندارد

## چالش فضای امن مدرسه برای کودکان

وضعیت عجیب رستمی در روزنه برداری

## کیانوش تغییر تابعیت داده ایران قبول نمی‌کند

## چرا برای خودروی وارداتی سر و دست نمی‌شکنند؟



ایران کجاست؟ گفت‌وگو با سیدمحمد بهشتی

### یادداشت

## پیوند سیاست و فناوری

به بهانه روز جهانی تکنولوژی



سیدجوادجمالی

کارشناس اقتصادی

جررد دایموند در کتاب «اسلحه، میکروب و فولاد» روایت می‌کند که اسپانیا قرن ۱۵ و ۱۶ توانسته بود خود را به عنوان قدرت برتر دنیا معرفی کند. ناوگان دریایی اسپانیا سلطه بلامنازعی را در آب‌های آزاد به دست آورده بود. در این ایام اسپانیایی‌ها با لشکرکشی به دنیای جدید (قاره آمریکا)، کشورهای منطقه را تحت استعمار خود درآوردند. در سال ۱۵۳۳ پیسارو با ارتشی متشکل از ۶۲ سواره‌نظام و ۱۰۲۲ پیاده‌نظام وارد مکزیک شد. با وجود ارتش ۸هزار نفره سرخ‌پوستان، پیسارو با قتل‌عام‌کردن شش هزار سرخ‌پوست، آنها را مجبور به تسلیم کرد. برتری‌های نظامی پیسارو را می‌توان در قالب شمشیرهای فولادی، زره‌های فولادی و تفنگ و اسلحه گرم برشمرد در حالی که بومیان مکزیک تنها با چماق و تبر و کوز به میدان نبرد آمده بودند. فناوری بالای دریایی و استفاده از ادوات جنگی با تکنولوژی برتر موجب برتری اسپانیا در قاره آمریکا شد. سپس اسپانیایی‌ها، غنایم نقره فراوانی از مستعمرات جدید خود به دست آوردند. در این ایام تجارت در اسپانیا رونق خوبی داشت. تجار اسپانیایی توانسته بودند با دستیابی به فناوری‌های برتر در حوزه دریانوردی منفعت خود را از تجارت حداکثر کنند. حکومت اسپانیا نیز از پیشرفت تجارت پشتیبانی می‌کرد، زیرا با رشد درآمد در فعالیت‌های تجاری، درآمد مالیات دولت نیز افزایش می‌یافت. اما فلیپ دوم پس از دستیابی به خلیج‌عظیم نقره در مستعمرات جدید، نیاز خود به مالیات را ناچیز دید، بنابراین تجارت را محدود کرد و به این دلیل انگیزه فعالان اقتصادی برای رسیدن به فناوری‌های نوین از بین رفت. از این رو قدرت ناوگان دریایی اسپانیا رو به تحلیل گذاشت. همچنین دولت اسپانیا بیم آن را داشت که با گسترش تجارت و افزایش قدرت

بازرگانان، طبقه بافندگی در جامعه شلک بگیرد که خواستار رخنه بیشتر در ارکان اقتصادی و سیاسی باشد.